

ناوشکن البرز به ناو آمریکایی
اخطار داد

● **فارس:** نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در جریان برگزاری رزمایش ولایت ۹۴ که در منطقه شرق تنگه هرمز تا مدار ۱۰ درجه شمالی شمال اقیانوس هند در حال برگزاری است، به یک فروند رزمناو آمریکایی که وارد آبهای محل رزمایش شده بود، اخطار داد و ناو آمریکایی را مجبور به ترک این منطقه کرد. بنابر این گزارش، یگان‌های نادجا به رزم‌ناو یو.اس.اس مونتری با شماره بدنه CG۶۱ اخطار داده است. این رزمناو ۱۷۳ متر طول و ۱۶.۸ متر عرض دارد و بیشینه سرعت ۳۲.۵ گره دریایی (۶۰ کیلومتر در ساعت) از جمله شناورهای کلاس «تایکاندروکا»ی آمریکاست که مجهز به موشک‌های کروز هستند. این کلاس از ناوهای آمریکایی می‌توانند موشک‌های «تاماهاوک» و «استاندارد» را برای مقابله با اهداف مسافت بلند شلیک کنند؛ همچنین این ناوها با حمل بالگرد و همچنین سامانه‌های راداری خود، قادر به انجام مأموریت ضدزیردریایی هستند. این رزمناو آمریکایی با اخطار ناوشکن جمهوری اسلامی ایران، «البرز»، با شماره بدنه ۷۲ مجبور شده از محل رزمایش نیروی دریایی ارتش دور شود. امیر دریادار حبیب‌الله سیاری، فرمانده نیروی دریایی ارتش، نیز دراین‌باره گفته است: «از آنجا که پیش‌بینی می‌شد آمریکایی‌ها برای کسب اطلاع از تاکتیک‌های ما به منطقه رزمایش نزدیک شوند، یک‌بار توسط هواپیمای گشت دریایی و یک‌بار هم از طریق ناوشکن البرز به آنها اخطار داده شد و آنها هم منطقه را ترک کردند». او گفت: «شناور بیگانه با یگان پروازی خود به نزدیکی آب‌های محل رزمایش آمده بود». سیاری گفت: «از آنجا که در این رزمایش ما از مهمات و تجهیزات جنگی از قبیل موشک و اژدر استفاده می‌کنیم، اخطار داده‌ایم که شناورهای بیگانه چه تجاری و چه رزمی نزدیک نشوند تا آسیبی نبینند». فرمانده نیروی دریایی ارتش گفت: «گویا هنوز قدرت دریای ایران برای برخی باورپذیر نیست، لذا سعی می‌کنند تا از نزدیک، از اقدامات و توانمندی‌های ما مطلع شوند». در روزهای گذشته، نیروی دریایی سپاه پاسداران نیز به این شناور آمریکایی اخطار داده بود.

politics@sharghdaily.ir

شرق، نرخت امیرآبادیان: تنها چندماه از حملات تروریستی یازدهم سپتامبر به نیویورک و واشنگتن گذشته بود. افکار عمومی آمریکا گرفتار احساس ترس و نفرت بود. نوحافظه‌کاران پراگماتیست آمریکایی که مدت‌ها بود به فکر درانداختن طرحی نو در سیاست جهانی بودند به فکر ساختن فرصتی از این تهدید بودند.

آنها تحت‌تاثیر ایده پایان تاریخ فوکویاما می‌خواستند جهانی نو بسازند، جهانی شگفت‌انگیز و نو زیر سایه لیبرال‌دموکراسی. دراین‌میان چند کشور و رژیم مؤثر در جهان بودند که ساز مخالف می‌زدند. رخداد ۱۱ سپتامبر فرصتی ساخته بود برای تغییر مخالفان و جلوانداختن پایان تاریخ. مبنای فکری نوحافظه‌کاران آمریکایی از اندیشه‌های لنواشتراوس، فرانسیس فوکویاما و ساموئل هانتینگتون متأثر بود.

اعتقاد به سه اصل «حکومت ماکیاولیستی نخبگان»، «مخالفت با سکولاریسم» و «ملی‌گرایی ستیزه‌جویانه» اساس تفکرات اشتراوس بود. او بر این اعتقاد بود که نظم سیاسی هنگامی می‌تواند باثبات باشد که تهدیدات خارجی‌ای آن را متحد کرده باشند و اگر هیچ تهدید خارجی‌ای وجود نداشته باشد، باید تهدیدی را ساخته و پرداخته کرد. ساموئل هانتینگتون فعالیت‌های سیاسی خود را همراه «هنری کیسینجر» و «ژینکو برژینسکی» در شورای روابط خارجی آمریکا که اصلی‌ترین نهاد راهبردی سیاست خارجی آمریکاست آغاز کرد و سمت‌های سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی متعددی را از سال ۱۹۶۹ عهده‌دار بوده است. او معتقد است، سرشت و ساختار قدرت جهانی در جهان تک‌قطبی چهار سطح دارد که در بالاترین سطح آن ایالات متحده، در همه مؤلفه‌های قدرت برتری دارد.

اما تاثیرگذارترین فرد در میان نوحافظه‌کاران آمریکایی که دولت جرج دلبیو بوش را هدایت می‌کردند فرانسیس فوکویاما است. فوکویاما با نگارش کتاب «پایان تاریخ» تئوری جدیدی را مطرح کرد. در این تئوری او با اشاره به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از پایان تاریخ خبر می‌دهد و ادعا می‌کند با شکست مارکسیسم، جز لیبرالیسم، ایدئولوژی دیگری برای بشریت وجود ندارد و با انکا بر این ایدئولوژی است که می‌توان مدل مطلوبی برای اداره بشریت ارائه کرد. او نیز همانند اشتراوس مدل‌های اداره جامعه را به دو بخش مدرن و غیرمدرن تقسیم می‌کند. دنیای مدرن از دید او همان «خیر مطلق» و دنیای غیرمدرن همان «شر مطلق» است و در رویارویی میان دنیای مدرن و غیرمدرن نهایتا این دنیای مدرن است که به پیروزی می‌رسد و لیبرال‌دموکراسی به‌عنوان آرمانشهر مدرنیت، جایگزین الگوهای اعتقادی سنتی می‌شود. در این تفکر، ارزش‌های آمریکایی به هدف نهایی بشریت



AP، بوش

۱۵سال از سخنرانی جنگ طلبانه بوش پسر گذشت

شکست پروژه شرارت

تبدیل می‌شوند. ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ میلادی (۹ بهمن ۱۳۸۰) بود. جرج بوش، رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه آمریکا، در گزارش سالانه خود به کنگره و ملت آمریکا برای اولین‌بار از اصطلاح «محور شرارت» استفاده کرد و سه کشور عراق، ایران و کره‌شمالی را اجزای اصلی این محور نامید. درواقع جرج بوش دنیای مدرن آمریکایی را در جایگاه خیر مطلق که فوکویاما مدعی آن بود قرار داد و در مقابل، شر مطلق – محور شرارت یا دشمنان اصلی دنیای مدرن – را عراق، ایران و کره‌شمالی معرفی کرد. این در حالی بود که همانند همه رهبران دنیا، مسئولان ایران نیز حملات ۱۱ سپتامبر را محکوم کردند. جالب اینکه در میان ۱۹ هوایماریایی که خود را به ساختمان‌های مرکز تجارت جهانی و پنتاگون کوبیدند، نام هیچ ایرانی‌ای به چشم نمی‌خورد. جالب‌تر اینکه علاوه بر اسامه‌بن‌لادن به‌عنوان آمر اصلی، ۱۵ نفر از عاملان این حملات، تبعه عربستان‌سعودی، متحد دولت بوش در «جنگ با تروریسم» بودند. پس از حمله آمریکا به افغانستان برای سرنگونی طالبان، دیپلمات‌های ایرانی و آمریکایی در جریان مذاکرات نمایندگان اعضای سازمان ملل برای تشکیل دولت جدید در افغانستان دیدار کردند.

جیمز دابینز، نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان، پس از آن در روزنامه واشنگتن‌پست نوشت: هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان به اندازه ایران مؤثر نبودند. ایران همچنین با سازمان ملل متحد برای استقرار حدود یک میلیون مهاجر افغانی در خاک خود همکاری کرد.

در عمل سیاست‌هایی که برپایه «ایده محور شرارت» در آمریکا برنامه‌ریزی و اجرا شد، با شکست روبه‌رو شدند، عراق پس از ۱۴سال با دولتی نزدیک به ایران اداره می‌شود. ایران پس از حل بحران هسته‌ای به قدرتی منطقه‌ای تبدیل شده و کره‌شمالی هم در طول این سال‌ها بارهاوبارها آزمایش‌های اتمی انجام داده و عملا واکنشی جز تحریم در مقابل آن وجود نداشته است.

چرخش بزرگ دموکرات‌ها

در ماه‌های اخیر ایران و غرب به رهبری آمریکا توانستند به توافق بین‌المللی بر سر پرونده ایران برسند؛ توافقی که نقطه عطفی در تاریخ سیاست بین‌الملل خاورمیانه و حتی جهان بود. دولت باراک اوباما ی دموکرات، از ابتدای دردست‌گرفتن قدرت تلاش کرد روابط خود را با ایران نزدیک کند و مسئله پرونده هسته‌ای را که تبدیل به بحرانی جهانی در عرصه سیاست بین‌الملل شده بود، حل کند، باراک اوباما در طول مذاکره با دولت حسن روحانی برای رسیدن به یک توافق هسته‌ای، زیر فشار شدید جمهوری‌خواهانی بود که هم‌راستا با دولت راست‌گرای اسرائیل، مخالف توافق و خواهان افزایش فشار بر ایران بودند.

رئیس‌جمهور فعلی ایالات متحده بارها از تغییر رویکرد کشورش در برابر تهران سخن گفته است. دموکرات‌ها به رهبری اوباما از ابتدا سیاست خارجی جدیدی را در قبال ایران اتخاذ کردند. می‌توان گفت تفاوتی اساسی میان رؤسای‌جمهور آمریکا با توجه به وابستگی حزبی آنها در مدیریت نظام و جایگاه آمریکا و جهان وجود دارد. اما این دوگانگی سیاست‌های جمهوری‌خواهان و دموکرات‌های آمریکایی در قبال ایران مسئله‌ای تازه نیست، نگاهی تاریخی به دوره‌های مختلفی که دولتی جمهوری‌خواه یا دموکرات در آمریکا در قدرت بوده، به‌خوبی این تفاوت را نشان می‌دهد.پیش از جورج بوش پسر جمهوری‌خواه، بیل کلینتون دموکرات بر قدرت بود اگرچه در ابتدای این دوره در زمان ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی، کلینتون سیاست خارجی خود را در راستای مهار نفوذ ایران و منزوی‌کردن تهران در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای تدوین کرد. دولت کلینتون در آن زمان با تدوین تحریم‌هایی، عملا مانع از تجارت شرکت‌های آمریکایی و شعبات خارجی آنها با ایران شد، این امر همچنین مانع از مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های مالی یا توسعه بخش‌های نفتی ایران شد.

اما پس از مدت کوتاهی با استقرار یک دولت اصلاح‌طلب در ایران که رئیس آن معمار ایده «گفت‌وگوی تمدن‌ها» بود، امیدها برای ازسرگیری روابط میان واشنگتن و تهران را افزایش داد.

ادامه در صفحه ۱۹

● **باسخ روابط‌عمومی شهرداری منطقه ۱۴:**احتراما با عنایت به درخواست شهروند محترم در روزنامه «شرق» مورخ ۹۴/۱۰/۷ به استحضار می‌رساند درخصوص ملک به آدرس خ عارف‌شمالی، نبش خ ولی‌عصر شرقی با توجه به مرحله کاری و بودن گود در اطراف ملک، طبق ضوابط و مقررات شهرسازی وجود حصار در اطراف کارگاه به منظور حفظ ایمنی عابرین بلامانع بوده و درخصوص ایجاد سد‌معبّر وائتی با توجه به نظارت و جلوگیری از این مزاحمت توسط عوامل اجرایی نسبت به رفع آن اقدام گردید.

لونژین
LONGINESSARMAN CO.
1832 Dr. Shariati Ave. Next to Pol-E-Roomi Tehran IRAN
Tel.: +98 21 226.137.52LONGINES DOLCEVITA
A NEW APPROACH TO CHARM
AND GRACE